

خسته نمی شوم؛ بارها پیش آمده که پای کار خوابم برده است. هر وقت دلگیر یا خسته ام، سراغ هنر می روم و حالم خوب می شود. «او با این حال، همیشه میان هنر و زندگی تعادل برقرار کرده است؛ هیچ وقت از خانواده ام برای هنرنزده ام. همیشه برنامه ریزی دارم و اولویت با خانواده است؛ برای همین همسرم مخالف نیست.

اوایل چندان راضی نبود، اما وقتی دید کارهایم باعث آرامشم می شود، نه تنها مخالفت نکرد، بلکه پشتیبانم شد. «پسران مریم خانم حالاسی، بیست و چهار و هجده ساله اند و هر سه عضو تیم ملی بسکتبال هستند. او با افتخار درباره حمایت همسرش می گوید: پسر بزرگم در کودکی فوتبال بازی می کرد، اما مربی اش گفت به خاطر قد بلندش بهتر است بسکتبال را ادامه دهد. همین کار را کرد و برادرانش هم به او پیوستند. همسرم با وجود شرایط سخت مالی، وسایل ورزشی و هزینه های رفت و آمدشان را تأمین کرد تا هیچ مانعی برای رشدشان نباشد.

معجزه شکرگزاری

مریم که هیچ گاه از یادگیری دست نمی کشد و همیشه به دنبال تجربه های تازه است، این روزها به یادگیری سفالگری فکر می کند. او باور دارد که سرچشمه آرامش واقعی، نه در هنر، بلکه در ارتباط با خداست؛ «هنر جلوه ای از جمال الهی است؛ بهانه ای برای رسیدن به آرامش، اما آرامش حقیقی فقط در ارتباط با خدا پیدای می شود. دفترچه ای دارم که اسمش را گذاشته ام دفتر شکرگزاری. هر روز خدا را برای نعمت هایی که دارم، شکر می کنم. از صبح تا شب، هر قدم را با یاد خدا میروم. همین شکرگزاری باعث می شود کارها روی روال بیفتد و انرژی ادامه دادن بگیرم.»

بفروشند. او با لبخند می گوید: الان هفته ای یک روز در زیرزمین مسجد، بازارچه ای داریم و حتی بانوان هنرمندان محله های دیگر هم برای فروش کارهایشان می آیند.

صندوق امام زمان (عج) گره گشای نیازمندان

بانوی هنرمند محله تلگرد، فعالیت هایش را تنها به هنر و آموزش محدود نکرده است. اودستی در کارهای خیر نیز دارد و بامهریانی، هم به زنان نیازمند کمک می کند و هم الهام بخش نیکوکاری در اطرافیان شده است. او می گوید: علاوه بر کمک به فروش محصولات بانوان خودسرپرست، با همراهی دوستان و همسایه ها، هر ماه بسته های معیشتی برای خانواده های نیازمند تهیه می کنیم. این برکت، از صندوق امام زمان (عج) می آید که سال ۱۴۰۱ راه اندازی شد.

ایده این صندوق زمانی در ذهنش شکل گرفت که در یک ویدئو دید کسی بخشی از درآمدش را به نیت امام زمان (عج) صرف کار خیر می کرد. مریم همان ایده را در مسجد مطرح کرد و با استقبال بانوان روبه روشد. هر کس یک پنجم درآمد خود را به صندوق اختصاص می دهد و مبالغ جمع شده، به صورت وام های کم بهره در اختیار نیازمندان قرار می گیرد تا پس از مدتی بازگردانده شود. او اضافه می کند: کمک های غیر نقدی را هم جمع می کنیم و همراه همسرم به مناطق محروم می فرستیم. اگر اقلام نو باشند، برای جهیزیه نو عروسان کم برخوردار استفاده می کنیم.

خستگی هایم را با هنر رفع می کنم

وقتی از آزارشوق و علاقه اش به هنر می پرسم، لبخند می زند و تنها یک واژه می گوید: آرامش. مریم می گوید حتی نام کانال هایش در فضای مجازی را هم «آرامش» گذاشته، چون هنر برایش پناهی است در روزهای سخت؛ از انجام کارهای هنری



اول یاد بگیرید، بعد پرداخت کنید

با اینکه مریم حسین پور هیچ گاه به دنبال کسب درآمد از هنر نبوده و بیشتر از آموزش دادن لذت می برد، شاگردانش به لطف او به خودکفایی و اشتغال رسیده اند. او می گوید: بیشتر از پول، یاد گرفتن دیگران برایم لذت بخش است. معمولاً در شروع کلاس، هزینه ای نمی گیرم و می گویم بگذارید کارتان را ببینم، بعد. مریم به بانوانی که نیاز مالی دارند، ساخت وسایل کاربردی مثل اسکاچ و پاپوش را آموزش می دهد. سه سال پیش، با وجود سختی، شخصاً با ۲۰۰ هزار تومان نخ تهیه کرد و محصولات شاگردانش را خرید تا برایشان فروش راه بیندازد.

این حرکت کوچک، به زنجیره ای بزرگ تبدیل شد؛ خرید نخ ها به هفته ای چند میلیون تومان و تولید به ۲ تا ۳ هزار عدد رسید. بعضی از هنرجویانش هم با تمرکز بر مهارت هایی مثل پاپوش باکیف بافی، توانسته اند برای خودشان کسب و کاری پایدار بسازند. مریم حالا پیگیر ایجاد بازارچه های دائمی در پارک های بانوان است تا زنان بیشتری بتوانند محصولاتشان را

آموزش اصولی و انگیزه بخشی

زینب، بانوی بیست و سه ساله و خانه دار، از شاگردان موفق مریم حسین پور است. او اوایل امسال با کلاس های مکرومه بافی در مسجد محله آشنا شد و در مدت کوتاهی توانست مهارتی تازه یاد بگیرد و به درآمد برسد. او می گوید: دوستم گفت خانمی در مسجد مکرومه بافی آموزش می دهد. من هم چون این هنر را دوست داشتم، ثبت نام کردم و خیلی راضی بودم. خانم حسین پور با صبر و دقت آموزش می داد و هر ایرادی را خودش رفع می کرد. نمونه کارهای حرفه ای نشانمان می داد تا انگیزه بگیریم و بهتر شویم. زینب با لبخند اضافه می کند: اولش حتی بلد نبودم نخ را درست در دستم بگیرم، اما حالا جزو بهترین های کلاس شده ام و از طریق فضای مجازی، کارهایم را می فروشم و درآمد خوبی دارم.

جرقه ای برای خلایق و تولید

فهیمة سادات سجادیان، بانوی سی و نه ساله، از شاگردان قدیمی حسین پور است که حدود چهار سال پیش در مسجد با او آشنا شد و حالا خودش به یک تولیدکننده و مربی موفق تبدیل شده است. او می گوید: در کلاس کیف بافی و دکوپاژ خانم حسین پور شرکت کردم. باذوقی که داشتم، آموزش های ایشان را با ایده های خودم ترکیب کردم و کیف هایی ساختم که چرم و چوب را در هم آمیخته بود. همین کار باعث شد محصولی خاص و پرفروش داشته باشم.

فهیمة سادات به مرور به ساخت کیف هایی متشکل از چوب و چرم رسید و در رشته چرم دوزی مدرک فنی و حرفه ای و مجوز آموزش گرفت. حالا علاوه بر تولید، در فرهنگ سراها نیز تدریس می کند.

او با قدرانی می گوید: همه این موفقیت ها را مدیون کلاس های خانم حسین پور هستیم. او نه تنها هنرمند، که انسانی اخلاق مدار و مشوق بود. همیشه دلش می خواست شاگردانش پیشرفت کنند و هرگز از اینکه کسی از خودش جلو نزنند، نگران نبود. هنوز هم وقتی کم می آورم، مثل یک مشاور دلسوز کنارم است.

